

مراجع خبری قصد دارند تا جنگ خلق در نیپال را تحت شایعات بیهوده بی آبرو سازند

چندین تارنمای خبری گزارش می دهند که به خاطر ابا کردن از به ارتش آزادیبخش نیپال پیوستن، انقلابیون 10 نفر را به قتل رسانیده اند. بسیاری از منابع دیگر قتلها را "یکسره" خوانده اند. با این همه، در بین آنها، از یک منبع هندی مقاله ی متفاوتی است (به نام): نیپال: آیا جنگ خلقی مائوئیست ها در حال گردش علیه مردم است؟ (،) بگردیم از آن نکته که افراد اعدام گشته که بنا به گفته شده اعضای گروهی حفاظتی میبودند که روز قبل 22 نفر مائوئیست را تحویل دولت داده اند.² این برابر است با اعدام بیست و دو نفر از مردمی که برای آزادی توده های نیپال مشغول مبارزاتند. گزارش اخیر سازمان مشاهده حقوق بشر (Human Rights Watch) اینکه معنای دستگیر دولت شدن به اتهام مائوئیست بودن (و یا حتی مشکوک به مائوئیست بودن) چه می باشد را ارائه می دهد: مکالمه ای میان محققین سازمان مشاهده حقوق بشر با یک سرباز ارتش سلطنتی نیپال و یک افسر پلیس راجع به چگونگی رفتار با مائوئیستهای دستگیر شده، مورخ ماه سپتامبر 2004 میلادی:

مرد پلیس: ما می کشیمشان.

سرباز سلطنتی: ما میبریمشان زندان.

مرد پلیس: بله، میبریمشان زندان و ماتحتشان را به قتل میرسانیم.

در جنگ میان دولت نیپال با قیامگران مائوئیست، تعداد افراد مفقود گشته ای که دستگیر می شوند و سپس دولتمردان اعلام فقدان مسئولیت و داشتن هر گونه اطلاعاتی راجع به محل و سرنوشتشان می نمایند، به حد بحرانی و حساسی رسیده است. حین دو سال اخیر نیروهای امنیتی نیپال کشورشان را به یکی از وخیم ترین نقاط دنیا که در آن افراد تحت اعمال ناپدید شدن قرار می گیرند میدل ساخته است. به گزارش یکی از بخش های سازمان ملل که مخصوص مفقود شدن اجباری و ناخواسته میباشد³ (WGEID) در سالهای 2003 و 2004 نیپال

دارای بالاترین درجه موارد نوین افراد مفقود گشته میبوده است. کمیسیون ملی حقوق بشر نیپال (National Human Rights Commission – NHRC) از ماه مه سال 2000 تا به حال تعداد 1,234 گزارش در مورد مرتکب شده بوسیله قوای امنیتی افراد مفقود شده اند را دریافت کرده است.⁴

1 در تارنما: www.etext.org/Politics/MIM MIM Notes No 319 May 2005

²منبع خبر: <http://www.123bharath.com/worldews/index.php?action=fullnews&id=46114>

³United Nation's Working Group on Enforced and Involuntary Disappearances
⁴Human Rights Watch. Clear Culpability Feb. 2005 <http://hrw.org/reports/2005/nepal0205/nepal0205.pdf>

آن ده نفری که کشته شده بودند بنا به گزارش جزئی از این تروریسم، یعنی مسئولین ناپدید شدن و محتملا مرگ 22 نفر از انقلابیون می بوده اند. با این همه خبرگزاریهای بورژوازی این سؤال را علم کرده اند که آیا جنگ خلقی برای " مردم " است. در اینجا سرمایه داران زبان مردمی را قرض کرده، مفاهیمش را مخدوش ساخته اند. برای ما نویسندگان مقاله⁵ تعریف از توده ها و خلق متشکل از افسارکثیر جامعه ی نپال می باشد که دوستدار مبارزات برای از جا کندن همه گونه استثمار (یعنی رسیدن به کمونیسم) می باشند. یا در نظر داشتن تعریف خلق و آگاهیان در باره افراد کشته شده مذکور، این ایده که جنگ خلق بر علیه خود خلق می باشد در جا احمقانه می نماید. اگر هر کسی قصد دارد کشتار مذکور به دست انقلابیون نپال را به نقد کشاند، می بایستی افکارش را بر مبنای واقعیت بنا کند، و نه بر اساس شایعات. واقعیت آن است که مردم نپال تحت سلطه یک رژیم فاشیست می باشند که تحت حمایت سرمایه داری انگلیس/آمریکا می باشند و بوسیله ی پادشاهی رهبری می گردند که مدعی است که خودش ظهور خداوند در کالبد انسان نما میباشد. واقعیت این است که جنگیست بین نیروهای فاشیستی، و آن .

آن زمان که آمریکائی ها انقلاب سیاهان در کشور را به خشونت متهّم میکردند مالکوم ایکس⁶ به همین نکته اشاره کرده و گفت: "اگر خشونت غلط است در امریکا، پس خشونت در خارج از کشور نیز نادرست میباشد. اگر در جهت دفاع از زنان سیاهپوست و کودکان و نوزادان سیاه و مردان سیاه خشونت کردن غلط است، بنا بر این مشمول ارتشی کردنمان به دست امریکا و به خشونت کشاندن مان در دفاع از آن نیز نادرست میباشد... در انقلاب چین، آنها زمین (خودشان) را میخواستند، انگلیسی ها را به همراه عموتهای⁷ چینی اخراج کردند. بله، آن بود عملشان. آنها الگوی خوبی ارائه دادند... پس از پیروزی انقلابشان یک نسل کامل از عموتهای (یعنی برده صفت ها) را گرفته و ناپدیدشان ساختند. و پس از 10 سال تام دیگری در چین باقی نمانده بود... هنگامیکه مشاهده میکنید که با مشکلی روبرو هستید، تنها کافیست روشهای تاریخی که در تمام جهان برای آنها که مشکلاتی مشابه شما داشته اند به کار گرفته شده را بشکافید. و آنکه که در می یابید چگونه آنان مشکلاتشان را راست و ریست ساخته اند، شما نیز در می یابید که چگونه مال خودتان را درست نمایند."

۱ تک بار دیگر مسئله "توده ها" در کشورها امپریالیست، کنگره سال دوهزار و یک سازمان مِم (MIM Congress 2001 نگاه کنید به <http://www.etxt.org/politics/MIM/wim/cong/onmasses01.html> برای تعریف نویسندگان مقاله. مالکوم ایکس سِاهیوست قهرمان بود که با وجود اینکه زندگی اش را همچون بس آری فقرا به جنایات معمول فقر آری نادر بدبخت آغاز کرده بود، لکن در زندان با رهبری از مسلمانان سِاهیوست که سفیدها را شیطان میدانستند آشنا شده و به یک از آتش ترن رهبران آن جنبش در جهت حقوق مدن سِاهان مبدل میگردد و در این راه گاه همراه مارتین لوتر کینگ و اغلب رادیکال تر از ایشان به مبارزه پرداخته و چه شایسته است که ایشان را پرنس سِاهان انقلاب نام نهند. با این همه، هنگامیکه آن فرد بزرگ برای حج به مکه می رود، در می آید که سفید مسلمان هم میتواند موجود باشد و نتایج میگرد که هر سفید لزوما شیطان نمیتواند باشد. شیطان همان سفیدها امرا بودند که برده خرید و فروش کرده و از شان چون چارپایان کار کشیده و بدشان تجاوز کردند و غره پس از بازگشتش، و با دریافتن اینکه حتی در سِاهان نیز اینجا و آنجا کسان بوده اند که در این معاملات شرکت داشته اند و خلاصتا جنگ بزرگ جهان میان پولدار و فقیر است، تلاش در بهبود جهت جنبش اسلام میکند و در این میان، اف ب آ و بق آ ن اروها ارتجاعی توطئه آ بره می اندازند و او را همچون از مارتین لوتر کینگ گرفته تا ده ها مبارز بزرگ تاریخ دیگر به شهادت می رسانند. وضعیت و خصلت به اصطلاح دمکراسی امرا که به طور است که حتی اگر صد تا خابان اصل در شهرها اصل را مالکوم ایکس بنامند، اما در

عمل، نمیگذارند مردم آنچنان انقلاب رفتار کرده و تکامل فکری و اخلاق نمایند.

⁷ اشاره است به کتاب کلیه عمو تام که در آن عمو تام برده ای بود که بنا به دیدگاه بس آری نسبت به اربابش سر به زیر رفتار کرده است. آن کتاب عمو تام را به مثابه یک مسیح مؤمن ارائه داده که بنا به گفته خدا به بردگی اش اعتراض نمیکند چون خدا چنان گفته. لازم به تذکر است که به همه بردگی اش، آنگاه که از عمو تام خواسته شده بود که دیگر بردگان را کتک زده و شکنجه کند، بنا به همان ایمانش از آن عمل خودداری میکند - هر چه منفی هم بخواهیم راجع به عموتهای بشنوم، همان کتاب خانم هریت بچر استو در نقش یک از کبرتها مهم برای به آتش کشیدن قلب سفیدان عمل کرد و امرا را در ممنوع کردن برده دار نقش سازنده ای انجام داد. خواندن کتاب را توصیه میکنم زیرا که در یک بخش آن یک از گوندگان قصه قاسم مان امرا و انگلس ارائه داده و اشاره میکند که کارگران بجز انگلستان گرچه برده نیستند، ولی اگر غلط زاده کرده و آ با به هر دل کارشان را از دست دهند از گرسنگی خواهند مرد. با این همه، امروزه به عمو تام قاسم کردن همچون برده سربز و نوکر مآبانه بودن نسبت به مالکان بقلب و جان میباشد. بار هم میگویم که ارزش آن کتاب خانم استو به نوع قابل قاسم با اعمال معهود سفیدان که در انتقال قاچاق سِاهان به امرا کاشمال و کانادا میباشد و شما نیز اگر قدرت در نوشتن دارید بدانید که مقالات نوشته های انقلاب تان - حتی اگر در آن پول هم نباشد - اما در جهت رها کردن هزاران زندان آن سِاس و اقتصاد و به نوع خدمت در جهت بروز راهشان برای رهای جامعه میباشد. این نشریه را بخوانید. ده نشریه بشرو و انقلاب دیگر را بخوانید. به یک بیبوندید سازمان جدید درست کنید. اما بدانید که صد ساعت کتاب نوشتن درد آن ناخن کشیدنهای زندانها سِاس ایران و دیگر کشورها جهان سوم، آ آن چاه باز کن در دهان و باسن سِاهان کردن به سبک پلاس نوآورک را ندارد. در دوره ای که به سگها و پرندگان در امرا بیشتر به سِاهان و لاتین ها محبت دارند مبارزه تان واجب است، نه سرگرم.

مائوتسه تونگ در آثار نظامی اش جنگ خلقی را یک استراتژی ارزیابی میکند که تنها برای انقلابیون طرفدار مردم صادق است، زیرا تنها آنها به حمایت توده ها از جنگ خلقی دست خواهند یافت. اگر این ادعا درست بود که مائوتسهای نپال در طی سیر نزولیشان به ضد مردمان مبدل شده اند، آنگاه جنگ مردمی نپال تمام شده بود و سرمایه داران مشغول گرفتن جشن بودند. برخلاف آن، سفیر آمریکا در نپال جیمز فرانسیس موریرتی اخیراً اعلام کرده که به طور فزاینده ای نگران انقلاب در نپال میباشند.

"فکر نمیکنم که هیچکدام از ما به قدر کافی اطلاعات داخلی از آنکه مائوتسهای دقیقاً چه فکر داشته و چه عملی میکنند داشته باشیم، تا با هر اطمینانی بگوئیم که ... موج مدی دریائی بر خلفشان آمده." وی ادامه میدهد "خطری که از جانب ایشان است بسیار وحشتناک میباشد. آنها مدام راجع به کشاورزی اشتراکی، راجع به آموزش دوباره ی دشمنان و راجع به گسترش انقلاب سخن رانده اند - همه ی این اساساً فورمولی ست راجع به دولت مستبدی کاملاً خوفناک که امنیت تمام منطقه را نیز به خطر می اندازد"⁸.

امپریالیستها ترسیده اند. آنها از کشاورزی اشتراکی خوف دارند، از آموزش به استثمارگران و تبدیلیشان به عناصر سازنده ی جامعه میترسند و وحشت دارند که این دیدگاه ها تنها در کوهستانهای نپال صادق نبوده، و در تمام آسیای جنوبی را دوباره سازی کند.

گزارش اخیرکشتار ده نفره ی مائوتسهای نوعی سپاسگزاری نسبت به سخن شاهی میباشد که دست به سانسور همه جانبه اخبار زده و هر گونه خبردادن راجع به تعداد کشته شده گان مائوتسهای بدست ارتش پادشاهی و پلیس را ممنوع ساخته است. با وجود حمله همه جانبه اخیرشان، تنها در این اتفاقات خبرهائی داده میشود که به کشته شدگان بدست مائوتسهای مربوط است. به همین دلیل است که ما از این فرصت استفاده کرده و به خبرشان راجع به این پیشامد کوچک اشاره می ورزیم. اطلاعات حاصله از نپال بسیار محدود و قانون بندی شده اند. اما بخاطر فقدان درکی خودشان از مبارزات طبقاتی، و عناصر نیمه فئودال نوکرشان در نپال به درز کردن جزئیاتی از اخبار که به درد کارگران بین الملل که به نپال برای همبستگی و الهام گرفتن چشم دوخته اند میخورد ادامه خواهند داد.